

Jurisdiction of the court in lawsuits related to the company's branch with an emphasis on Judicial Practice

Mahdi Hasanzadeh¹ 

1. Department of Civil Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. E-mail: m.hasanzadeh@qom.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Available online

According to the second part of Article 23 of the C.P.C., lawsuits related to the branch of the company are filed in the court of the branch. The ruling of this part in the sense that it is related to contractual claims related to the branch or non-contractual claims or both categories, and that regarding contractual claims related to the branch, it negates the jurisdiction of the place where the contract took place and the place or places of execution of the contract, or no, it is a place for discussion and contemplation. The position of this part in Article 23 and also the use of the words "obligations" and "transaction" in it, leads the mind to the contractual claims related to the branch and the word "Should" also appear in the exclusive jurisdiction of the court of the branch and negate the jurisdiction of the court of the place of contract and the place or places of execution of the contract. This is despite the fact that the context of the phrase indicates that it is auxiliary, facilitating and developmental, but the mentioned items indicate a restrictive, irrational and unacceptable meaning.

Keywords:

Jurisdiction of the court,

Lawsuits related to the company's branch,

The court of the company's branch.

Cite this article: Hasanzadeh, Mahdi. (2025). *Jurisdiction of the court in lawsuits related to the company's branch with an emphasis on Judicial Practice*, 00 (X), 0-0. <http://doi.org/000000000000000000>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran.

DOI: <http://doi.org/000000000000000000>

مقدمه

بر اساس ماده 22 ق.آ.د.م. دعاوی اشخاص به طرفیت شرکت، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود. مطابق قسمت نخست ماده 23 همان قانون نیز: «دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می‌شود». قسمت دوم این ماده نیز اعلام کرده است: «اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود مگر آن که شعبه یاد شده بر چیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد».

بیان قانونگذار در قسمت دوم ماده 23 از این نظر محل تأمل و بررسی است که آیا مربوط به دعاوی قراردادی یا غیر قراردادی یا هر دو دسته دعاوی است و این که در خصوص دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، دادگاه محل شعبه را به صورت انحصاری، صالح می‌داند یا در کنار دادگاه‌های محل انعقاد و محل اجرای عقد؟ تعابیری در این قسمت از ماده به کار رفته است که راه تحلیل منطقی آن و حمل آن بر معنایی منطقی و قابل قبول را دشوار کرده است.

در خصوص موضوع مورد بحث، علاوه بر دیدگاه‌های متعدد حقوقدانان، رویه‌های متفاوتی از دادگاه‌ها در آرای صادره از محاکم، قابل مشاهده و بررسی است.

لازم به توضیح است که موضوع ماده 23 ق.آ.د.م. و این مقاله، مواردی است که در ارتباط شعبه شرکت با اشخاص ثالث، ایجاد اختلاف می‌شود و اشخاص ثالث به عنوان خواهان دعوا، قصد اقامه دعوا دارند. اما اگر در چنین اختلافاتی، لازم شود علیه اشخاص ثالث، اقامه دعوا شود، شرکت به عنوان خواهان، به طرفیت اشخاص ثالث، اقامه دعوا می‌کند و در این موارد، بر اساس قواعد صلاحیت محلی دادگاه (ماده 11 ق.آ.د.م. و مواد بعدی آن) اقامه دعوا می‌شود و این موارد، خارج از ماده مورد بحث در این مقاله (ماده 23 ق.آ.د.م.) است.

1. تحلیل و دیدگاه حقوقدانان

از نظر تحلیلی، دعاوی مربوط به شعبه شرکت و قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. در دو وضعیت: الف) دعاوی غیر قراردادی و ب) دعاوی قراردادی، قابل بررسی و مطالعه است.

1-1. دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت

به موجب ماده 22 ق.آ.د.م. دعاوی اشخاص ثالث به طرفیت شرکت، در مرکز اصلی شرکت، قابل طرح است. در دعاوی غیر قراردادی به طرفیت شرکت نیز دادگاه محل مرکز شرکت، صالح است.

از طرفی لازم است توجه نماییم که شعبه شرکت، شخصیت حقوقی مستقل از شرکت ندارد (اسکینی، 1394: 21؛ افتخار جهرمی و السان، 1396: 281؛ کریمی و پرتو، 1395: 254)، بنابراین اگر حکم خاص در قانون نباشد، دعاوی مربوط به شعبه شرکت نیز لازم است در مرکز اصلی شرکت، اقامه شود.

این در حالی است که الزام اشخاصی که با شعب شرکت‌ها مرتبط می‌شوند و با شعب شرکت‌ها به نمایندگی از شرکت، طرف رابطه حقوقی می‌شوند، به اقامه دعوا در مرکز شرکت، موجب زحمت و تضییع وقت و هزینه می‌شود. همین موضوع سبب شد در سده نوزدهم، رویه قضایی در کشور فرانسه راهحلی در پیش گرفت و

دادگاه‌های این کشور تجویز کردند که هر کس دعوا با شرکتی داشت که دارای شعب بود، می‌توانست در هر دادگاهی که در حوزه آن، یکی از شعب شرکت، دایر بود، اقامه دعوا نماید (متین دفتری، 1381: 289).

بر این اساس، منطقی این است که به گونه‌ای چاره‌اندیشی شود که اشخاصی که با شعبه شرکت، مرتبط می‌شوند و به مناسبت آن، ناچار به اقامه دعوا می‌شوند، بتوانند در دادگاه محل شعبه شرکت، دعوی خود را اقامه نمایند و مجبور به اقامه دعوا در مرکز شرکت که مستلزم زحمت و صرف وقت و هزینه مضاعف است، نباشند.

عدم شخصیت مستقل شعبه شرکت، در رأی وحدت رویه شماره 1363/8/28-29 هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مورد تأیید واقع شده است. بر این اساس، اقامه دعوا به طرفیت شعبه شرکت، امکان‌پذیر نیست و حتی در صورت اقامه دعوا در محل شعبه شرکت، خواننده دعوا، خود شرکت است نه شعبه آن (مهاجری، 1387: 123؛ افتخار جهرمی و السان، 1396: 281).

اما عبارت ذیل رأی وحدت رویه یاد شده که به موجب آن، اعطای اختیارات به نماینده تجاری متصدی حمل و نقل، سبب مسئول شدن و امکان اقامه دعوا به طرفیت آن، شناخته شده است، مورد انتقاد واقع شده است با این بیان که اعطای اختیار اقدام به شعبه یا نمایندگی، ایجاد شخصیت حقوقی برای آن نمی‌کند، بلکه شعبه یا نمایندگی، صرفاً به نمایندگی از شرکت، اقدام می‌کند (افتخار جهرمی و السان، 1396: 282).

این ایراد بر رأی وحدت رویه یاد شده وارد است؛ زیرا شعبه یا نمایندگی در هر حال، نماینده شرکت محسوب می‌شود و حتی در صورت اعطای اختیارات به آن، اقدام شعبه یا نمایندگی، از طرف شرکت است و اعطای اختیارات، ملازمه با ایجاد شخصیت حقوقی برای شعبه یا نمایندگی ندارد.

امکان اقامه دعوا در محل شعبه شرکت نیز، ملازمه با شخصیت حقوقی شعبه شرکت ندارد (نظر مشورتی 1386/2/4-7/494 اداره حقوقی قوه قضائیه)؛ زیرا دعوا در هر حال به طرفیت شرکت اقامه می‌شود و شعبه شرکت، به نمایندگی از شرکت، در دعوا حاضر شده و دفاع می‌کند و طرف دعوا خود شرکت است.

با توجه به عدم شخصیت حقوقی مستقل شعبه شرکت، تعابیر «تعهدات هر شعبه» و «شعبه طرف معامله» در عبارت قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. قابل انتقاد است؛ زیرا آنچه شعبه تعهد می‌کند به حساب شرکت اصلی است و مدیر شعبه، نماینده شرکت است (اسکینی، 1394: 21). بنابراین، در هر حال، خود شرکت، طرف معامله است نه شعبه آن.

با توجه به آنچه که گفته شد، در اختلافات بین اشخاص و شعبه شرکت، اقامه دعوی اشخاص ثالث، صرفاً به طرفیت خود شرکت امکان‌پذیر است و خود شرکت، خواننده دعوا قرار می‌گیرد و نه فقط اقامه چنین دعوی به طرفیت شعبه شرکت، اشکال دارد، بلکه طرف و خواننده قرار دادن شرکت و شعبه آن هم ایراد دارد. البته در صورت اقامه دعوا به طرفیت شرکت و شعبه آن، لازم است دادگاه با اعلام رد دعوا به طرفیت شعبه، رسیدگی به آن دعوا را به طرفیت شرکت، ادامه دهد. در رویه قضایی نیز – به شرحی که در قسمت دوم این مقاله خواهد آمد – جز در موارد اندک، اینگونه دعوی به طرفیت شرکت، اقامه شده و دادگاه‌ها به آن رسیدگی کرده‌اند.

اگر عبارت قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. را ناظر به دعوی غیر قراردادی بدانیم، حاوی حکمی منطقی و قابل توجیه خواهد بود؛ زیرا در دعوی غیر قراردادی به طرفیت شرکت، دادگاه مرکز اصلی شرکت، صلاحیت دارد (ماده 22 ق.آ.د.م.)، حال اگر دعوی غیر قراردادی، مربوط به شعبه شرکت باشد، این که قانون‌گذار جهت تسهیل

و ارفاق به طرف دعوا، دادگاه محل شعبه را صالح معرفی نماید و خواهان را از مراجعه به دادگاه مرکز شرکت، معاف نماید، حکمی منطقی و قابل قبول است.

به نظر می‌رسد منظور قانونگذار نیز همین بوده است که در دعاوی مربوط به شعبه شرکت، خواهان را از مراجعه به دادگاه مرکز شرکت، معاف کند و از این رو، حکم قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. حکمی ارفاقی و تسهیلی است.

با وجود این، در اثر بی‌دقتی قانونگذار، حکم قسمت دوم ماده 23 به گونه‌ای بیان شده است که موانع جدی در مسیر تحلیل آن به نحوی که به دعاوی غیر قراردادی مربوط باشد، ایجاد کرده است.

مانع نخست این است که حکم موضوع قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. کنونی، در قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب 1318) در ماده 38 و به صورت مستقل، بیان شده بود و گفته شده است همان شیوه درست‌تر بود (حیاتی، 1390(ب): 58). در واقع، احکام مواد 37 و 38 ق.آ.د.م. سابق در ماده 23 ق.آ.د.م. کنونی ادغام شده است و این وضعیت سبب شده است در تحلیل قسمت دوم ماده 23 همواره به ارتباط آن با قسمت نخست آن ماده، توجه شود و مانع از این است که قسمت دوم ماده، مستقل از قسمت نخست، تحلیل و تفسیر شود.

آمدن حکم قسمت دوم ماده 23 در این ماده که قسمت نخست آن مربوط به دعاوی قراردادی شرکت است، ارتباط دو قسمت ماده را به ذهن القا می‌کند و ذهن را به این مطلب هدایت می‌کند که ادامه ماده نیز مربوط به دعاوی قراردادی است.

مانع دیگر که سبب می‌شود نتوانیم حکم قسمت مورد بحث در ماده 23 را مربوط به دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت بدانیم، به کار بردن کلمات «تعهدات» و «معامله» است که این کلمات نیز عبارت این قسمت از ماده را منصرف به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت می‌کند و چگونه می‌توان با وجود چنین کلماتی، حکم این قسمت را ناظر به دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت دانست؟

همین عوامل باعث شده است تا این قسمت از ماده 23 از نظر دادرسی‌دانان، مربوط به دعاوی قراردادی تلقی شود (شمس، 1388: 399؛ مهاجری، 1387: 123؛ حیاتی، 1390(الف): 227) و حتی برخی بر عدم شمول آن به دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت، تصریح کرده‌اند (افتخار جهرمی و السان، 1396: 281).

1-2. دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت

دعاوی مربوط به تعهدات شرکت، به موجب قسمت نخست ماده 23 ق.آ.د.م. در محل وقوع عقد یا محل یا محل‌های اجرای عقد، قابل اقامه است. بر این اساس، ماده 22 ق.آ.د.م. منصرف از دعاوی مربوط به تعهدات شرکت است (شمس، 1388: 388) و در خصوص دعاوی مربوط به تعهدات شرکت، حکم قسمت نخست ماده 23 با حکم ماده 13 ق.آ.د.م. هماهنگ است و با وجود ماده 13، وجود قسمت نخست ماده 23 مورد انتقاد واقع شده و اضافی شناخته شده است (افتخار جهرمی و السان، 1396: 280).

همچنین، صلاحیت محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد در دعاوی مربوط به تعهدات شرکت که در قسمت نخست ماده 23 مقرر شده است، منافای صلاحیت دادگاه محل اقامت شرکت (مرکز اصلی شرکت) شناخته

نشده است (شمس، 1388: 399؛ زراعت، 1389: 100؛ ابهری و برزگر، 1392: 176؛ حیاتی، 1390(الف): 226).

در خصوص تعهدات مربوط به شعبه نیز منطقی این است که همان حکم قسمت نخست ماده 23 و همچنین ماده 13 ق.آ.د.م. حاکم باشد؛ یعنی دعوا در محل وقوع عقد یا محل یا محل‌های اجرای عقد، قابل اقامه باشد. بر همین اساس دادرسی‌دانان بر شمول حکم قسمت نخست ماده 23 بر دعاوی ناشی از تعهدات مربوط به شعبه و صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد در این حالت نیز تأکید کرده‌اند (شمس، 1388: 399؛ افتخار جهرمی و السان، 1396: 281؛ حیاتی، 1390(الف): 227؛ حیاتی، 1390(ب): 58).

نکته دیگر این که اگرچه – همان‌طور که گفته شد – در دعاوی قراردادی شرکت، دادگاه محل اقامت شرکت (مرکز اصلی شرکت) نیز صالح است، اما در خصوص دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، منطقی این است که به جای دادگاه مرکز اصلی شرکت، دادگاه محل شعبه صالح باشد. دلایلی که چنین اقتضایی در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت دارد، همان دلایلی است که پیش از این در خصوص دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت بیان شد و در این زمینه، فرقی بین دعاوی قراردادی و دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت وجود ندارد.

همان‌طور که پیش از این گفته شد، دلایل متعددی وجود دارد که عبارت قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. را ناظر به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت می‌کند و مانع از آن است که این عبارت را به گونه‌ای تفسیر نماییم که ناظر به دعاوی غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت یا شامل آن شود.

حال اگر بتوان این عبارت را به گونه‌ای تفسیر کرد که نتیجه آن امکان اقامه دعوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، در محل وقوع عقد یا محل یا محل‌های اجرای عقد یا دادگاه محل شعبه شرکت باشد، این عبارت، حاوی یک حکم منطقی و قابل قبول خواهد بود.

اما این عبارت به گونه‌ای است که تفسیر آن به چنین معنایی هم دشوار است؛ زیرا از طرفی، در آن، هیچ اشاره‌ای به صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد و محل اجرای عقد نشده است و از طرف دیگر با آوردن کلمه «باید» این معنا را به ذهن القا می‌کند که گویا در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، دعوا صرفاً در دادگاه محل شعبه، قابل اقامه است و وجود کلمه «باید» در قسمت دوم از ماده 23 این اشکال و مانع و سؤال جدی را ایجاد کرده است که چگونه می‌توان با وجود چنین کلمه‌ای، دادگاه محل شعبه را یکی از دادگاه‌های صالح دانست و علاوه بر آن، دادگاه محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد را نیز صالح شناخت؟ این اشکال، مورد توجه و تصریح برخی از دادرسی‌دانان واقع شده است (افتخار جهرمی و السان، 1396: 281).

از مجموع آنچه که گفته شد، مشخص گردید که عبارت قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. به گونه‌ای است که بر این معنا دلالت دارد که در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، صرفاً دادگاه محل شعبه، صلاحیت دارد و دعوا در محل وقوع عقد یا محل یا محل‌های اجرای عقد، قابل اقامه نیست. این در حالی است که چنین مطالبی به شدت قابل انتقاد و غیر قابل قبول است؛ زیرا دلایلی به ذهن نمی‌رسد که در حالی که ماده 13 ق.آ.د.م. در دعاوی ناشی از قرارداد، محل وقوع و محل اجرای عقد را صالح شناخته است و قسمت نخست ماده 23 همان قانون نیز همین حکم را در خصوص دعاوی قراردادی شرکت‌ها تأیید کرده است، در مورد دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، این حکم استثناً شود و اجرا نشود و وضعیت به گونه‌ای دیگر باشد.

حکم مقرر در ماده 13 و قسمت نخست ماده 23، مبتنی بر ارفاق و تسهیل برای خواهان است که از دادگاه‌های صالح، هر کدام را که راحت‌تر است انتخاب نماید. همین وضعیت در خصوص دعوای قراردادی شعبه شرکت نیز وجود دارد و از عبارت قسمت دوم ماده 23 مشخص است که قانون‌گذار نظر به ارفاق و ایجاد تسهیل برای خواهان داشته است و لازمه چنین ارفاق و تسهیلی این است که حکم ماده 13 و قسمت نخست ماده 23 در خصوص دعوای قراردادی مربوط به شعبه نیز جاری باشد، در غیر این صورت نقض غرض قانون‌گذار حاصل می‌شود و به جای ارفاق و تسهیل، تضییق و سختگیری برای خواهان در دعوای قراردادی مربوط به شعبه شرکت، ایجاد می‌شود.

به نظر می‌رسد آنچه از وضعیت عبارت قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. مستفاد می‌شود، مقصود قانون‌گذار نبوده است، بلکه بی‌دقتی در پردازش عبارت و به کار بردن کلمات، سبب شده است تا عبارت یاد شده به گونه‌ای بیان شده است که مقصود قانون‌گذار را بیان نمی‌کند و از طرف دیگر، به معنایی دلالت می‌کند که منظور قانون‌گذار نبوده است.

به نظر می‌رسد مقصود قانون‌گذار این بوده است که چه در دعوای قراردادی و چه در دعوای غیر قراردادی مربوط به شعبه شرکت، صرفاً دادگاه محل شعبه را جایگزین دادگاه مرکز اصلی شرکت نماید، ولی قصدی بر نفی صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد در دعوای قراردادی مربوط به شعبه شرکت نداشته است.

بی‌دقتی در عبارت قسمت مورد بحث در ماده 23 به گونه‌ای است که در یک اشتباه فاحش، در عبارت «دعوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج»، کلمه «یا» جایگزین کلمه «با» شده است و در این خصوص، گفته شده است، حرف «یا» در این عبارت، اشتباه است و حرف «با» صحیح است (زرعت، 1389: 100).

2. رویه قضایی

2-1. پرونده اول:

شعبه 26 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران به موجب دادنامه شماره 7395-1400/12/11 در خصوص دادخواست خواهان به طرفیت بانک سپه به خواسته ابطال قرارداد، با اعلام این که خواهان طبق دادخواست تقدیمی و ضمائم پرونده و دفاعیات خوانده و شرح پرونده استنادی از شعب بانک سپه شهرستان تاکستان استان قزوین تسهیلات دریافت نموده و مدعی ابطال قراردادهای مذکور است و نظر به این که اولاً قرارداد فیما بین طرفین دعوا در تاکستان منعقد شده است و ثانیاً خوانده دارای شعبه فعال در شهرستان مذکور بوده که طرف قرارداد مذکور نیز می‌باشد، با وحدت ملاک از ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی، به شایستگی محاکم عمومی حقوقی تاکستان، مراتب عدم صلاحیت خود را اعلام کرده است. متعاقباً شعبه 4 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تاکستان استان قزوین به موجب دادنامه شماره 4111-1401/2/17 با اعلام این که اولاً در رسیدگی به دعوای حقوقی، اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده می‌باشد و در این پرونده، خواهان بانک سپه تهران را طرف دعوا قرار داده و محل اقامت خوانده در تهران می‌باشد، ثانیاً استناد به ماده 13 قانون آیین دادرسی مدنی و طرح دعوا در دادگاه محل وقوع عقد، همانطور که از مفاد ماده مذکور به دست می‌آید، از اختیارات خواهان بوده و نافی حق رجوع خواهان به دادگاه محل اقامت خوانده نمی‌باشد و خواهان نیز با استناد به این حق قانونی مبادرت به طرح دعوا در دادگاه محل اقامت خوانده نموده است، ثالثاً وجود شعبه فعال بانک سپه در یک شهرستان مانع از رجوع خواهان به شعبه مرکزی بانک مذکور که در تهران مستقر است، نمی‌باشد، لذا

این مرجع خود را صالح به رسیدگی ندانسته و قرار عدم صلاحیت به شایستگی و صلاحیت شعبه 26 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تهران صادر و اعلام کرده است. شعبه 12 دیوان عالی کشور با اعلام این که شعبه 26 دادگاه عمومی حقوقی تهران رسیدگی را شروع کرده است، استدلال شعبه 4 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تاکستان استان قزوین را صحیح و منطبق با موازین قانونی شناخته و با اعلام صلاحیت شعبه 26 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران حل اختلاف کرده است (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رؤیت <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/36202،1404/7/3>).

در این پرونده، شعبه دادگاه عمومی تهران، در خصوص دعوی شعبه بانک، علاوه بر دادگاه محل شعبه، دادگاه محل انعقاد عقد را هم صالح دانسته است. البته در این پرونده، محل انعقاد عقد، در محل شعبه بانک بوده است. اما دادگاه اقامتگاه خوانده را صالح ندانسته است. در مقابل، شعبه دادگاه عمومی تاکستان، صلاحیت دادگاه محل شعبه و همچنین دادگاه محل انعقاد عقد را منافی با صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده ندانسته و به این ترتیب در دعوی قراردادی مربوط به شعبه، علاوه بر صلاحیت دادگاه محل شعبه، دادگاه محل عقد و همچنین دادگاه اقامتگاه خوانده را صالح دانسته است. همین نظر، مورد تأیید شعبه دیوان عالی کشور واقع شده است. این دیدگاه با روح قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م که برای ایجاد سهولت و تسهیل است سازگار است، اما با عبارت نامناسب آن – به شرحی که پیش از این توضیح داده شد – هماهنگ نیست.

2-2. پرونده دوم:

شعبه 36 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران در خصوص دادخواست خواهان به خواسته نصب داور به طرفیت شرکت سهامی بیمه ایران، پس از بررسی موضوع به موجب دادنامه شماره 0569181-1401/1/24 با این استدلال که خواهان اجرای تعهدات ناشی از بیمه نامه پیوست دادخواست را خواسته است، بنابراین دعوی او قراردادی است و برطبق مفاد بیمه نامه محل انعقاد قرارداد، بناب است و خواهان دعوی خود را بر اساس رابطه حقوقی که با نمایندگی شرکت بیمه ایران در بناب داشته مطرح کرده و برطبق ماده 13 قانون آیین دادرسی مدنی خواهان حق دارد در دعوی ناشی از قرارداد به دادگاه محل وقوع عقد مراجعه کند و با اعلام این که طبق ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی دعوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است، اقامه شود و در این مورد شرکت بیمه ایران که در زمره شرکت‌های سهامی است، دارای شعب مختلف و از جمله در بناب است، پس دادگاه عمومی بناب صالح به رسیدگی است، قرار عدم صلاحیت به صلاحیت دادگاه عمومی بناب صادر و پرونده را برای رسیدگی به آن دادگاه ارسال نموده است. پرونده برای رسیدگی به شعبه 3 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بناب ارجاع گردیده است و این شعبه نیز به موجب دادنامه شماره 01340773-1401/2/27 با این استدلال که نسبت به اصل دعوا، خواهان اختیار مراجعه به محل انعقاد قرارداد و محل اقامت خوانده را داشته و بر اساس این اختیار قانونی برای درخواست تعیین داور به محاکم تهران مراجعه کرده است و صلاحیت رسیدگی بر همین اساس مستقر گردیده است، همچنین اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده می‌باشد، ضمن عدم پذیرش قرار عدم صلاحیت صادره از شعبه 36 دادگاه عمومی حقوقی تهران، قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت و شایستگی رسیدگی محاکم عمومی حقوقی تهران صادر و پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال نموده است. شعبه 17 دیوان عالی کشور در تاریخ 1401/3/31 با تأیید نظر شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بناب، ضمن نقض قرار صادره از شعبه 36 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تهران به صلاحیت مرجع اخیر نظر داده است (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رؤیت <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/35889،1404/7/3>).

در این پرونده که دعوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت بوده است، مانند پرونده قبلی، شعبه دادگاه عمومی تهران، علاوه بر صلاحیت دادگاه محل شعبه شرکت، دادگاه محل انعقاد عقد را هم به استناد ماده 13 ق.آ.د.م. صالح دانسته است. با وجود این، دادگاه اقامتگاه خواننده را صالح ندانسته و بر همین اساس، قرار عدم صلاحیت صادر کرده است. در مقابل، شعبه دادگاه بناب، در دعوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، دادگاه محل اقامت خواننده را هم صالح دانسته و به همین سبب، قرار عدم صلاحیت را نپذیرفته است. شعبه دیوان عالی کشور هم با نظر شعبه دادگاه بناب موافق بوده است. نکته جلب توجه این که هیچ‌کدام از دادگاه‌های مرتبط با این پرونده، برخلاف کلمه «باید» در ماده 23 ق.آ.د.م. نظر به صلاحیت انحصاری دادگاه محل شعبه شرکت نداشته است.

نکته قابل توجه در این پرونده و پرونده قبلی این است که دادگاه دوم با وجود این که دادگاه محل انعقاد قرارداد (دادگاه دوم) را صالح دانسته است، اما به دلیل این که خواهان، دادگاه محل اقامت خواننده (دادگاه اول) را انتخاب کرده است، از پذیرفتن قرار عدم صلاحیت دادگاه اول، امتناع کرده و قرار عدم صلاحیت صادر کرده است. در چنین مواردی، صدور قرار عدم صلاحیت دادگاه دوم، همراه با مسامحه است؛ زیرا اصل صلاحیت دادگاه دوم وجود دارد، اما به دلیل انتخاب اول خواهان، دادگاه دوم مکلف به امتناع از رسیدگی است. پس بهتر است در چنین مواردی دادگاه دوم با اعلام عدم پذیرش قرار عدم صلاحیت دادگاه نخست، از رسیدگی، امتناع و پرونده را به مرجع حل تعارض ارسال نماید.

2-3. پرونده سوم:

شعبه اول دادگاه عمومی بخش امیرآباد استان سمنان به موجب دادنامه شماره 1400/12/24-7995 در خصوص دادخواست خواهان به طرفیت اداره بیمه به خواسته الزام خواننده به انجام تعهدات مقرر در بیمه نامه شخص ثالث و پرداخت دیه جراحات وارده به خواهان به نرخ روز طبق نظر پزشکی قانونی و پرداخت هزینه‌ها و خسارات دادرسی با اعلام این که برابر ماده 11 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دعوی می‌بایست در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و این که در سیستم مدیریت پرونده و در سامانه ثنا اقامتگاه خواننده در تهران اعلام شده است، قرار عدم صلاحیت به اعتبار و شایستگی رسیدگی موضوع در محاکم عمومی حقوقی تهران صادر و اعلام کرده است. متعاقباً شعبه 15 دادگاه عمومی حقوقی تهران به موجب دادنامه شماره 1401/2/31-9119 با اعلام این که طبق ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی دعوی ناشی از تعهدات شعب هر شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا در آنجا باید تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود، اقامه می‌شود و اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد، دعوی ناشی از تعهدات هر شعبه باید در جایی که شعبه طرف معامله در آنجا واقع شده اقامه گردد و از آنجا که طبق بیمه نامه منضم دادخواست، موضوع خواسته مربوط به تعهدات شرکت بیمه در حوزه قضایی بخش امیرآباد استان سمنان می‌باشد، لذا موضوع را در صلاحیت دادگاه یاد شده دانسته و اعلام کرده پرونده برای رفع اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال شود. شعبه 12 دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره 140049920000874637 مورخ 1401/3/31 استدلال شعبه دادگاه عمومی تهران را تأیید و با اعلام صلاحیت شعبه اول دادگاه عمومی بخش امیرآباد استان سمنان حل اختلاف کرده است (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رؤیت 1404/7/3، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/38461>).

در این پرونده، شعبه دادگاه بخش امیرآباد استان سمنان، با وجود این که دعوی مربوط به شعبه اداره بیمه در آن بخش بوده، برخلاف صریح قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. خود را صالح نشناخته است و صرفاً دادگاه اقامتگاه خواننده

را صالح دانسته است؛ در مقابل، شعبه دادگاه عمومی تهران با استناد به ماده 23 ق.آ.د.م. دادگاه محل شعبه بیمه را صالح دانسته است و از استدلال دادگاه، چنین برمی آید که در دعاوی مربوط به شعبه شرکت، نظر به صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده علاوه بر صلاحیت دادگاه محل شعبه، نداشته است. این در حالی است که در پرونده‌های قبلی، برخی از دادگاه‌ها در خصوص دعاوی مربوط به شعبه شرکت، اعتقاد به صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده هم داشتند، اما به دلیل انتخاب اول خواهان، از رسیدگی امتناع کردند.

2-4. پرونده چهارم:

خواهان دادخواستی را علیه نمایندگی شرکت تراکتورسازی و شرکت تراکتورسازی به خواسته مطالبه خسارت و مطالبه ارزش مابه‌التفاوت تراکتور به دادگاه‌های عمومی کمیجان تقدیم نموده است و پرونده به شعبه اول دادگاه ارجاع شده است. نشانی خوانده اول کمیجان و نشانی خوانده دوم تبریز اعلام شده است. خوانده ردیف دوم به صلاحیت دادگاه ایراد گرفته و دادگاه تبریز را صالح دانسته است. دادگاه نیز با صدور دادنامه شماره 931367-1393/10/23 با توجه به بند 14 قرارداد بین طرفین دعوا - که به موجب آن طرفین اعلام نمودند: مطابق ماده 1010 قانون مدنی طرفین توافق نمودند که هرگونه اختلاف و همچنین دعوای ناشی از این قرارداد را در حوزه قضایی تبریز مطرح نمایند - و از این جهت که خوانده ردیف اول صرفاً عاملیت مجاز فروش بوده است، خود را صالح به رسیدگی ندانسته و با اعلام صلاحیت دادگاه عمومی تبریز، پرونده را به دادگاه‌های حقوقی تبریز ارسال کرده است و پرونده در شعبه 15 دادگاه عمومی تبریز مطرح و این دادگاه نیز با صدور دادنامه شماره 930749-1393/11/18 با این استدلال که موضوع ناشی از قرارداد استنادی بوده، موضوع را مشمول ماده 13 قانون آئین دادرسی دانسته و با نفی صلاحیت از خود و اعلام صلاحیت دادگاه حقوقی کمیجان پرونده را جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال کرده است. شعبه 40 دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره 9309988670200530 مورخ 1394/1/17 چنین رأی داده است: «قطع نظر از این‌که توافق طرفین در بند 14 قرارداد برای تعیین مراجع قضایی شهرستان تبریز جهت رسیدگی به دعاوی احتمالی چون برخلاف قواعد آمره می‌باشد قابل پذیرش نمی‌باشد و قطع نظر از این‌که نمایندگی شرکت تراکتورسازی ... در کمیجان بعنوان شعبه شرکت شناخته نمی‌شود تا موضوع مشمول قسمت اخیر ماده 26 [23] قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی گردد از این جهت که محل تنظیم قرارداد و همچنین محل انجام تعهد و دادن تراکتور در کمیجان بوده است لذا موضوع مشمول ماده 13 قانون مذکور می‌باشد و با مراجعه خواهان به دادگاه کمیجان برای این دادگاه صلاحیت رسیدگی ایجاد شده است لذا در اجرای ماده 28 این قانون با تأیید نظریه دادگاه عمومی حقوقی تبریز و اعلام صلاحیت دادگاه حقوقی کمیجان در خصوص موضوع حل اختلاف می‌گردد» (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رؤیت <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/26227،1404/7/3>).

در این پرونده، نمایندگی شرکت تراکتورسازی، به عنوان شعبه شرکت، شناخته نشده و به این ترتیب، موضوع مشمول قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. دانسته نشده است. به نظر می‌رسد این تشخیص با قسمت دوم ماده یاد شده سازگار نیست؛ زیرا این قسمت از ماده برای ایجاد تسهیل و ارفاق به طرف دعوا است و لازمه چنین مطلبی این است که از تفسیر مضیق شعبه شرکت خودداری شود، بلکه با تفسیر موسع آن، باید آن را شامل عنوان نمایندگی شرکت هم دانست.

نکته قابل توجه این که در این پرونده به خواننده قرار گرفتن نمایندگی شرکت در کنار خود شرکت، ایراد نشده است، در حالی که در اینگونه دعاوی، خواننده دعوا خود شرکت است و شعبه و نمایندگی، شخصیت حقوقی مستقل از شرکت ندارد و نمی‌تواند در کنار خود شرکت، خواننده دعوا قرار گیرد.

2-5. پرونده پنجم:

شعبه سوم دادگاه عمومی نهاوند در خصوص دادخواست خواهان‌ها به طرفیت شرکت خواننده به خواسته مطالبه 15 میلیون تومان اجرت کارکرد قرارداد آماتوربندی، قالب‌بندی و پروژه مسکن مهر آبادان طی دادنامه 00300249 مورخ 1391/7/11 با توجه به محل انجام تعهد و اجرای قرارداد که آبادان بوده است به استناد ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم صلاحیت به شایستگی محاکم عمومی آبادان صادر و پرونده را به آن مرجع ارسال داشته است. متعاقباً شعبه 5 دادگاه عمومی آبادان پس از رسیدگی به موجب دادنامه 00500218 مورخ 1392/3/21 به استناد ماده 13 قانون آیین دادرسی مدنی، با اعلام این که خواهان می‌تواند به دادگاهی که عقد و قرارداد در آن محل، منعقد شده مراجعه نماید، با نفی صلاحیت آن دادگاه قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی نهاوند صادر و پرونده را جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال کرده است. شعبه 18 دیوان عالی کشور با صدور دادنامه شماره 9209970907800459 مورخ 1392/7/2 اینگونه اظهار نظر کرده است: «وفق مقررات ماده 23 قانون آیین دادرسی مدنی، دعوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص ثالث (خارج از شرکت) در محلی که تعهد در آن انجام شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد ... باید اقامه شود با توجه به این که خواهان‌ها دعوی را به طرفیت شرکت با نمایندگی ش.س. طرح نموده اند و محل انجام تعهد نیز مسکن مهر آبادان بوده است، نتیجتاً قرار صادره از شعبه سوم دادگاه عمومی نهاوند موجه تشخیص و با نقض قرار صادره از شعبه 5 دادگاه عمومی آبادان، پرونده جهت اقدام قانونی به آن دادگاه (آبادان) ارسال و بدین نحو حل اختلاف به عمل می‌آید» (سامانه ملی آرای قضایی، تاریخ رؤیت 1404/7/3، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7381>).

در این پرونده شعبه دادگاه عمومی نهاوند و شعبه دیوان عالی کشور، نظر به صلاحیت دادگاه محل انعقاد عقد بر اساس ماده 23 ق.آ.د.م. نداشته‌اند. به عبارت دیگر، این مراجع، عبارت «محلی که تعهد در آنجا واقع شده» در ماده 23 را ناظر به محل انعقاد عقد ندانسته‌اند، بلکه آن را مربوط به محل انجام تعهد دانسته‌اند. شعبه دادگاه عمومی آبادان هم همین تلقی را از عبارت یادشده داشته است. به همین سبب، برای صلاحیت دادگاه محل انعقاد عقد در دعوی شرکت، به ماده 13 ق.آ.د.م. استناد کرده است. این در حالی است که منظور از عبارت یادشده در ماده 23 محل انعقاد عقد است و به این ترتیب، حکم مقرر در ماده 23 در مورد دعوی قراردادی شرکت، با ماده 13 ق.آ.د.م. هماهنگ است.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله گذشت چنین نتیجه گرفته می‌شود که قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. از چند نظر، ایراد و اشکال دارد: نخست این که این قسمت در ادامه قسمت نخست این ماده که مربوط به دعوی قراردادی شرکت است، آمده و سبب می‌شود قسمت دوم نیز مربوط به دعوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت، تلقی شود، در حالی که لازم است قانون‌گذار وضعیت دعوی مربوط به شعبه شرکت، اعم از دعوی قراردادی و دعوی غیر قراردادی را از نظر صلاحیت محلی دادگاه، بیان نماید و این می‌طلبد که یک ماده مستقل به این حکم، اختصاص داده شود.

این اشکال در قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب 1318) وجود نداشت، چون عبارت قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. کنونی، در قانون آیین دادرسی مدنی سابق، در یک ماده مستقل (ماده 38) بیان شده بود.

اشکال دیگر به کار بردن تعابیر «تعهدات» و «معامله» است که حکم قسمت مورد بحث را منصرف به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت می‌کند، در حالی که به نظر می‌رسد منظور قانونگذار، اختصاص حکم به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت نبوده است و منطقی هم این است که این حکم، مختص به دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت نباشد.

اشکال سوم مربوط به استفاده از کلمه «باید» است که انحصار صلاحیت دادگاه محل شعبه شرکت و نفی صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد و محل یا محل‌های اجرای عقد در دعاوی قراردادی مربوط به شعبه شرکت را می‌رساند، در حالی که به نظر می‌رسد در این مورد هم قانونگذار چنین قصدی نداشته است و چنین تضيیقی با سیاق عبارت قانونگذار که حکایت از قصد ارفاق و تسهیل و توسعه دارد، سازگار نیست و غیر منطقی و غیر قابل قبول به نظر می‌رسد.

به منظور رفع اشکال‌های یاد شده، پیشنهاد می‌شود، عبارت قسمت دوم ماده 23 ق.آ.د.م. در ماده ای مستقل بعد از آن ماده و به این شرح، اصلاح شود:

«ماده ... – اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد، دعاوی مربوط به هر شعبه با اشخاص خارج، در دادگاه محلی که شعبه در آن واقع است قابل اقامه است، مگر آن که شعبه یاد شده برچیده شده باشد که در این صورت دعاوی مربوط به شعبه نیز در مرکز اصلی شرکت، قابل طرح است.»

پیش‌نویس
شده

منابع

- ابهری، حمید و محمدرضا برزگر (1392). آیین دادرسی مدنی (1)، چاپ دوم، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- اسکینی، ربیعا (1394). حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- افتخار جهرمی، گودرز و مصطفی‌السان (1396). آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران: میزان.
- حیاتی، علی عباس (1390الف). آیین دادرسی مدنی (1)، چاپ اول، تهران: میزان.
- حیاتی، علی عباس (1390ب). آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران: میزان.
- زراعت، عباس (1389). محشای قانون آیین دادرسی مدنی، چاپ سوم، تهران: ققنوس.
- سامانه ملی آرای قضایی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7381>
- شمس، عبدالله (1388). آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد اول، چاپ بیست و یکم، تهران: دراک.
- کریمی، عباس و حمیدرضا پرتو (1395). آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران: دادگستر با همکاری انتشارات دکتر عباس کریمی.
- متین دفتری، احمد (1381). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول (ج 1 و 2 در یک مجلد)، چاپ دوم، تهران: مجد.
- مهاجری، علی (1387). مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران: فکرسازان.

فکرش پیدایش شده

References

- Abhari, Hamid and Mohammad Reza Barzegar (2013). Civil Procedure (1), 2nd edition, Babolsar: University of Mazandaran (in Persian).
- Hayati, Ali Abbas (2011). Civil Procedure (1), 1st edition, Tehran: Mizan (in Persian).
- Hayati, Ali Abbas (2011). Civil Procedure in the Current Legal System, 2nd edition, Tehran: Mizan (in Persian).
- Iftikhar Jahromi, Goodarz and Mostafa Elsan (2017). Civil Procedure, Volume 1, 1st edition, Tehran: Mizan (in Persian).
- Karimi, Abbas and Hamidreza Parto (2016). Civil Procedure, Volume 1, 1st Edition, Tehran: Dadgostar in collaboration with Dr. Abbas Karimi Publications (in Persian).
- Matin Daftari, Ahmad (2002). Civil and Commercial Procedure, Volume 1 (Volume 1 and 2 in one volume), 2nd Edition, Tehran: Majd (in Persian).
- Mohajeri, Ali (2008). Detailed Civil Procedure, Volume 1, 1st Edition, Tehran: Fekrsazan (in Persian).
- National Judicial Decision System: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7381>.
- Shams, Abdullah (2009). Advanced Civil Procedure, Volume 1, 21st Edition, Tehran: Drak (in Persian).
- Skini, Rabia (2015). Commercial Law, Commercial Companies, Volume 2, 20th edition, Tehran: Organization for Study and Compilation of University Humanities Books (SAMT) (in Persian).
- Zeraat, Abbas (2010). Civil Procedure Code, 3rd edition, Tehran: Qoqnoos (in Persian).